

اجرای مجازات علیه مجرمین اقتصادی و دانه درشت ها در قانون مجازات اسلامی

دکتر مصطفی ایقانی^۱

دکتر الهه طالع زاری

چکیده

داشتن یک سیاست جنایی موفق همچنان مستلزم داشتن یک سیاست کیفری مناسب است. هنوز هم در مورد سیاست کیفری در حوزه جرایم اقتصادی که از حساسیت اجتماعی بالایی برخوردار است نقش قوه قضائیه و دستگاه عدالت کیفری بسیار پررنگ تر از نقش سایر نهادهاست. جرایم اقتصادی به خاطر خصوصیتی که دارد (سوء استفاده از بیت المال، خدشه به اعتماد عمومی به فعالیت های دولت و اخلال در نظام اقتصادی) قبح اجتماعی بسیاری دارد و در عین حال در بسیاری موارد مستقیماً حقوق حکومت را تضییع می کند لذا اولویت در واکنش کیفری در برابر آن با مجازات های سرکوبگرانه و شدید است تا قدرت بازدارندگی و ترهیب کافی داشته باشد. در حقوق جزایی کشورمان واکنش کیفری به جرایم اقتصادی طیف وسیعی از انواع مجازات ها را در بر می گیرد. کیفرهای بازدارنده در جرایم اقتصادی طیف گسترده ای را در بر می گیرد و قانونگذار از اکثر مجازات های خود استفاده کرده است. از مجازات های حدی مجازات اعدام و تبعید گرفته تا مجازات های تعزیری مانند حبس، شلاق، ضبط اموال، جزای نقدی، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، محرومیت از حقوق اجتماعی.

^۱ نویسنده مسئول

واژگان کلیدی: مجرمین اقتصادی، فساد اقتصادی، مفاسد و جرایم اقتصادی، رشوه

بخش اول: کلیات

از بزهکاری اقتصادی غالباً به عنوان مساله‌ی دنیای امروز بحث می‌شود. بعد از گذشت چند دهه از پیدایش و ورود آن به دنیای علوم کیفری، هنوز هم دارای چارچوب و تعریف مشخصی نیست که ناشی از پیشرفت و تحول فزاینده‌ی علوم جدید در دنیای صنعتی و تجاری است. در یک تعریف کلی جرایم اقتصادی را جرایمی دانسته‌اند که برای دستیابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند.^۲ در تعریفی دیگر جرم اقتصادی را اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی تعریف نموده‌اند.^۳ در منابع داخلی به علت عدم ارائه تعریف مشخص از سوی مقنن در خصوص این جرایم، برخی «جرایم اقتصادی» را دسته‌ای از جرائم با انگیزه مادی و با ماهیت اقتصادی، یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع، بدون مجوز، ارتشاء و رانت خواری، می‌دانند.^۴ عده‌ای نیز این گروه از جرائم را: «فعل یا ترک فعل اقتصادی که موجب اخلال در نظم اجتماعی- اقتصادی جامعه بوده و در قانون جزا برای آن مجازات و یا اقدامات تأمینی- تربیتی در نظر گرفته شده باشد»^۵، تعریف می‌نمایند. تعریف دیگر این است که جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده آن را به خطر می‌اندازند. جرم اقتصادی می‌تواند در بستر یک فعالیت حرفه‌ای مشروع ارتکاب یابد مانند بخش‌های مالی، دولتی، بودجه دولتی (مالیات و سایر منابع مالی)،

^۱ اسجوگران واسکوج، ۲۰۰۴ص ۱۲ نقل از دادخدایی، لایا، "مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن"، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹، ص ۴۶

^۲ ژان لوک بجر و نیکلا کلوز، جرم اقتصادی و کنترل آن، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۳۴.

^۳ اسجوگران واسکوج، ۲۰۰۴ص ۱۴ نقل از دادخدایی، لایا، ۱۳۸۹، ص ۴۶.

^۴ رئیس دانا، فریرز، چکیده مباحث مطرح شده در محور جرایم مالی- اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۳، ۴۰۸-۴۰۳.

^۵ اقتراح قضایی از جرایم اقتصادی، نشریه عصر ما، ۱۳۸۰/۱۰/۲۷؛

^۶ مهدی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۳۸

بازار دولتی، مصرف، مبادلات تجاری، تولیدات صنعتی، خدمات اداری و قضایی، اعمال قدرت سیاسی و نیز در بیشتر روابط قراردادی ارتکاب یابد. بنابراین این تعریف بسیار به مفهومی که ساترلند برای اولین بار تحت عنوان جرایم یقه سفیدان مطرح کرد نزدیک است: فعالیت‌های غیر قانونی در بستر فعالیت‌های حرفه‌ای توسط افراد قابل احترام و از طبقه اجتماعی بالا. بنابراین جرم یقه سفیدان به نظر می‌رسد بنیادی ترین تعریف از جرم اقتصادی باشد. با این حال از آنجا که امروزه حوزه‌های اجتماعی تنوع و تکثر یافته‌اند و افرادی با طبقات اجتماعی مختلف ممکن است جرم اقتصادی مرتکب شوند. باید گفت این مفهوم باید بازتعریف شود. بنابراین برخی در تعریفی واقع‌بینانه‌تر گفته‌اند جرم اقتصادی جرمی است که از طریق سوءاستفاده از قدرت، جایگاه، نفوذ یا اعتماد در چارچوب نظم اقتصادی و یا سیاسی مشروع با هدف کسب امتیازی غیرقانونی برای خود یا سازمان خود ارتکاب می‌یابد.^۱ این تعریف مجرم اقتصادی را به طبقه خاصی محدود نکرده و در عین حال تنها به ممنوعیت‌های جنایی بسنده نکرده است. در واقع امروزه جرم اقتصادی در بستر زندگی روزمره و نه با توسل به خشونت و زور بازو و نیروی جسمانی بلکه با تقلب و سوء استفاده از هوش، استعداد و تدبیر یا فناوری‌های مدرن ارتکاب می‌یابند و ارتکاب آنها مستلزم داشتن اطلاعات و دانش اقتصادی تجاری یا مالی است. بدین ترتیب جرم اقتصادی به کمک یا در پناه ساختارها و ابزارهای اقتصادی مشروع بدون توسل به خشونت یا تهدید ارتکاب می‌یابد و عبارت است از استفاده کردن از موقعیت‌ها ناشی از اعتماد و آزادی عمل و اختیاری که کشگران در روابط اقتصادی دارند. با این وصف در این مقیاس ارتکاب جرم اقتصادی برای همه ممکن و متصور نیست زیرا تا حد زیادی به اختیارات، قدرت یا سرمایه اجتماعی بستگی دارد که مجرمان بالقوه می‌توانند از آن استفاده کنند.

^۱ عثماوی، سعدالدین محمد، مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه حسین نصراللهی و سید عیسی حسینی، تهران: انتشارات ناجا، ۱۳۸۶، ص ۱۷

بخش دوم: ضابطه‌مندی تقنین جرایم اقتصادی در قانون جدید مجازات اسلامی

ضابطه‌مند بودن به معنای مشخص بودن ضوابط و ملاک‌های تعیین و تشخیص جرم و در مانحن فیه جرم اقتصادی است. حال قصد داریم به این مسئله بپردازیم که عبارت جرایم اقتصادی در قانون جدید مجازات اسلامی بر اساس چه ضابطه‌ای تعیین شده است و ملاک تشخیص آن چیست؟ علاوه بر این ضابطه را می‌توان در مورد قوانین خاصی که پیشتر در مورد جرایم پراکنده اقتصادی تصویب شده اند تطبیق داد و به طور خاص آیا قانون جدید ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص عبارات «کلان»، عمده و فراوان که در برخی قوانین خاص از جمله قانون مبارزه با اخلاک‌گران نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ ارائه داده است؟

بند اول: ضابطه تعیین جرم اقتصادی در قانون جدید

یکی از آفات موجود در واژگان شناسی، تحلیل ویژگی ذاتی اعمال مجرمانه است که با ابهامات زیادی روبرو است. جرم اقتصادی یکی از بدترین مثال‌هاست و یکی از منازعاتی که همواره پیرامون جرم اقتصادی وجود دارد تعریف آن است.^۱ در این حوزه شاهد هنجارها و معیارهای نامشخص، متعارض و قابل تغییری هستیم به طوری که می‌توان گفت همانگونه که اقتصاد به سرعت در حال جهانی شدن است جرایم اقتصادی نیز در حال تغییر و دگرگونی است و ویژگی اصلی جرایم اقتصادی تغییر سریعی است که در آن صورت می‌گیرد. ^۲ در حقوق و رویه قضایی کشورهای مختلف جهان هر یک از این اهداف و تعاریف مورد توجه قرار گرفته است. که در تمام ضوابط ارائه شده ایراد ضرر غیرقانونی و نامشروع مالی به بزه دیده شرط تحقق جرم دانسته شده است. در یک تعریف جرم اقتصادی جرمی است که به منظور تحصیل سود در قالب انواع دیگری از مشاغل قانونی رخ می‌دهد. ممکن است شهروندان خصوصی، بخش‌های تجاری و یا عمومی را متضرر کند. پس مطابق این تعریف، فرار مالیاتی و انواع متفاوتی از کلاهبرداری و اختلاس در شرکت‌های قانونی جرم خواهد

^۱ مهرانگیز روستایی، پیشین، ص ۹

^۲ همان

بود. اَضوابط یاد شده بر اساس هدف از ارتکاب جرم (تحصیل سود) + ماهیت بزه‌دیده جرم (شخص حقیقی + شخص حقوقی اعم از خصوصی و عمومی) + زمینه ارتکاب جرم (در قالب مشاغل قانونی) ارائه گردیده است. در تعریف دیگری جرم اقتصادی به فعالیت‌های غیرقانونی اطلاق شده است که در حوزه تجارت و به منظور کسب منافع اقتصادی صورت می‌گیرد. این جرم معمولاً از طریق برشمردن مصادیقی مانند جرایم مالیاتی، جرایم علیه مقررات مالی، رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و مانند آن شناسایی می‌شود.^۱ تعریف یاد شده بر اساس زمینه ارتکاب جرم (در حوزه تجارت) + هدف از ارتکاب جرم (کسب منافع اقتصادی) ارائه شده است. در تعریف ساترلند از جرم اقتصادی که آن را جرم یقه سفیدان می‌نامد^۲ موقعیت اقتصادی و اجتماعی مرتکب جرم (فرد یقه سفید و متعلق به طبقه اجتماعی خاص) + زمینه ارتکاب جرم (حوزه شغلی و حرفه‌ای) مبنای تعریف قرار گرفته است. در مواردی نیز تعریف جرم اقتصادی در قالب جرم سازمان یافته ارائه شده است که عناصر آن سازمان یافته بودن و انجام آن در قالب یک فعالیت اقتصادی منظم و به صورت گروهی است. در تعاریف دیگری به تعداد بزه‌دیدگان یا مبلغ حاصل از موضوع جرم در ارائه دسته بندی برای آن توجه شده است. در چین قانونگذار جرایم اقتصادی را به سه دسته تقسیم نموده است. دسته اول شامل جرایم اختلاس، کلاهبرداری، و رباخواری است که مجازات آنها بستگی به تعداد بزه‌دیدگان یا مبلغ ضرر وارده دارد. دسته دوم شامل قاچاق، جرایم مالیاتی، جعل اسکناس، فروش دخیانیات یا الکل بدون مجوز، نقض قانون کنترل مبادلات خارجی و جرایم بانکی است که اگر موضوع جرم بیش از دو میلیون دلار باشد مجرم اقتصادی قلمداد می‌گردند. دسته آخر از مجرمین اقتصادی آنهایی هستند که به نقض قوانین علایم تجاری، قانون اختراع و کپی رایت، نقض قانون مبادلات خارجی و تخلفات بیمه‌ای مبادرت نمایند. اینها نیز صرف نظر از تعداد بزه دیدگان و میزان ضرر وارده در زمره مجرمین

^۱ ponsaser:2002 نقل از روستایی، مهرانگیر، پیشین، ص ۱۰

^۲ (sjogren:2004) نقل از دادخدایی، لیلا، ۱۳۸۹، پیشین، ص ۴۷

^۳ سلیمی، صادق، "مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران"، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸ شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۴۱.

اقتصادی‌اند که منافع اقتصاد محلی را به مخاطره انداخته‌اند.^۱ در تعریف قانونگذار چین هدف از ارتکاب جرم (نقض مقررات تجاری) + زمینه ارتکاب جرم (حوزه تجاری) + میزان کمی زیان وارده یا تعداد بزه‌دیدگان ملاک قرار گرفته است. حال باید دید در ایران قانونگذار جرایم اقتصادی را بر اساس چه ضابطه‌ای تعریف کرده است. قوانین و مقررات بسیار پراکنده و مختلفی به جرم اقتصادی پرداخته و آن را مورد تعریف قرار داده‌اند. قانونگذار ایران عناوین مختلف و متفاوتی مانند مفسده اقتصادی (فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری)، فساد اقتصادی (قانون ارتقا سلامت نظام اداری)، جرم اقتصادی (قانون مجازات جدید) را در مورد آن به کار برده است. اما اگر آخرین اراده جزائی قانونگذار ایران (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) را در این خصوص ملاک عمل و تعریف قرار دهیم متوجه می‌شویم که قانونگذار تلاش کرده است تا جرایم اقتصادی را ضابطه‌مند سازد. اگر چه قانونگذار در قانون جدید نیز تعریفی از جرم اقتصادی ارائه نداده است اما از مفاد سه ماده ۳۶، ۴۷، و ۱۰۹ قانون جدید می‌توان دریافت قانونگذار ملاک خود را در تشخیص جرم اقتصادی بر سه محور هدف ارتکاب جرم (کسب منفعت مادی) + زمینه ارتکاب جرم (جرایمی که نظام اقتصادی را مختل یا اعتماد عمومی به فعالیت‌های دولت را خدشه‌دار می‌سازند) + میزان پولی موضوع جرم قرار داده است.

بخش سوم: تعیین کیفر مفسدین اداری و اقتصادی در قانون مجازات جدید

سخت‌گیری در اعمال کیفر جرایم اقتصادی هم خواست جامعه است و هم حکومت. سوء استفاده از موقعیت شغلی که خط ارتباطی میان مردم و نظام سیاسی است اعتماد عمومی به نظام سیاسی را خدشه دار کرده احساسات هر دو را جریحه‌دار کرده است. مجازات‌های اصلی که در قانون برای کیفر دهی به مجرمین اداری و اقتصادی در نظر گرفته شده است

^۱Wang, Hsiao-Ming, (1998),The sanctioning of economic crime in the republic of china: the socioeconomic status-sanction hypothesis, a dissertation presented to the faculty of the college of criminal justice.P9

طیف گسترده تری از سایر جرایم دارد. که شامل شلاق، کیفر سالب آزادی، اعدام، انواع کیفرهای مالی است.

۱. جزای نقدی

اینکه در میان مجازات‌های مختلف مانند حبس جزای نقدی شلاق و انفصال از خدمات دولتی و عمومی کدام یک برای مقابله با جرایم اقتصادی مناسب‌تر است بسته به شخصیت هر مجرم ممکن است متفاوت باشد با این حال بسیاری بر این عقیده هستند که مجازات‌های مالی و بالاحص جزای نقدی بهترین گزینه هستند. زیرا انگیزه اصلی مرتکب در اینگونه جرایم کسب منفعت مادی است و مجرمین اقتصادی اشخاصی سود جو و حسابگرند و لذا جزای نقدی می‌تواند فرد بالقوه بزهکار را از ارتکاب آن منصرف نماید و بدین ترتیب با قدرت بازدارندگی که دارد مانع از تکرار جرم خواهد گردید. در غالب مصادیق مفاسد اداری و اقتصادی، قانون‌گذار از نوع نسبی جزای نقدی استفاده کرده است و جزای نقدی ثابت کمتر پیش بینی شده است. جزای نقدی نسبی بر اساس نسبتی از ارزش مال بدست آمده از بزه تعیین می‌شود که معادل یا چند برابر آن خواهد بود. تعیین این نوع از جزای نقدی در بسیاری از قوانین و مقررات راجع به جرایم اقتصادی پیش بینی شده است. از جمله در قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی که معادل مال بدست آمده از بزه به عنوان جزای نقدی تعیین گردیده است و در ماده ۳ قانون تشدید مرتکبین ارتشا و... که معادل ۲ برابر مال بدست از جرم تعیین کیفر گردیده است. یک اشکال که از این نوع تعیین جزای نقدی حاصل می‌گردد اینست که با گذشت زمان، تورم باعث می‌شود، میزان مجازات نسبت به گذشته افزایش یابد. برای مثال در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، اختلاس کمتر از ۵۰ هزار ریال عملاً با وجه به تورم سالیان گذشته خارج از مصداق عینی قرار می‌دهد. این در حالی است که در سال ۱۳۶۷ که قانون تصویب شده است چنین مبلغی معتنا به بوده است. لذا بدون اینکه بزهکاران امروز با آن دوران تفاوتی

^۱ ژان لوک بَجر و نیکلا کلوز، جرم اقتصادی و کنترل آن"، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۴۴

داشته باشند عملاً کیفر آنها در مواردی به چهار یا پنج برابر افزایش یافته است یعنی حبس از شش ماه تا دو سال به حبس از دو تا ده سال. در نوع دیگر جزای نقدی یعنی جزای نقدی ثابت هم که در آن قانونگذار حداقل و اکثری برای آن تعیین می کند این انتقاد و ایراد همواره وارد بوده که با گذشت زمان ممکن است ارزش پول ملی سقوط کرده و لذا جزای نقدی تأثیر و کارآمدی خود را از دست بدهد. مثلاً یک تکان اقتصادی شدید - چنانکه در طی سالهای اخیر اتفاق افتاد (۱۳۹۰ و ۱۳۹۱) - ممکن است ارزش پول ملی را تا ۱۰۰ درصد کاهش دهد. قانونگذار برای رفع این مشکل در قوانین پراکنده جزائی در گذشته به هیئت دولت اجازه داده بود تا هر سه سال یکبار بر اساس شاخص تورم سالانه که از سوی بانک مرکزی اعلام می شود ارقام ریالی موجود در قوانین را که به عنوان جزای نقدی تعیین شده است را افزایش دهند. روشی که در قانون کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۶ مورد استفاده قانونگذار قرار گرفته است. در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این پیشنهاد صورت قانونی عام الشمولی به خود گرفته و از این پس مطابق ماده ۲۸ قانون یاد شده: «کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می شود لازم الاجراء می گردد». این ماده قانونی می تواند انتقادات کیفرشناسان به زوال تدریجی قدرت بازدارندگی جزای نقدی ثابت در نتیجه تورم های فزاینده و از دست رفتن ارزش پول ملی را تا حدودی مرتفع کند و تمامی مقررات جزائی کشور را در بر بگیرد.

۱ ماده ۱۰ قانون کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۶: «انجام هرگونه تبلیغات مغایر با این قانون و آیین نامه اجرایی آن، جرم و مستوجب مجازات از پانصد هزار (۵۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال جزای نقدی است. میزان مجازات های یاد شده بر اساس نرخ تورم (هر سه سال یکبار) بنا به اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید هیأت وزیران قابل افزایش است.»

۲. حبس

با وجود قدرت انکار نشدنی جزای نقدی در بازدارندگی جزای نقدی، حبس مجازات غالبی است که قانونگذار برای همه انواع جرایم اقتصادی پیش‌بینی نموده است. در تعیین کیفر حبس برای جرایم اقتصادی این واقعیت از اذهان دور نمانده است که جزای نقدی به تنهایی نمی‌تواند در جرایم اقتصادی بازدارنده باشد. زیرا رابطه اجتماعی را قطع نمی‌نماید و اطرافیان و دوستان مرتکب نیز معمولاً از این نوع محکومیت بی‌اطلاع می‌مانند لذا جزای نقدی به تنهایی فاقد اثر بازدارندگی است. ساترلند نیز در سال ۱۹۴۰ از جنبه محرمانه و سری این نوع مجازات‌ها نسبت به مجرمان یقه سفید صحبت کرده است اینکه جزای نقدی به محکوم امکان می‌دهد که در جامعه باقی مانده و فعالیت‌های عادی خود را ادامه دهد. بدین ترتیب وجهه اجتماعی مجرم حفظ شده و مرتکب جزای نقدی را به مثابه مالیات نقض قانون تلقی خواهد نمود. لذا ننگ و رسوایی برای محکوم به همراه ندارد در کنار اینها معایب دیگری را نیز برای جزای نقدی ذکر کرده‌اند. اینکه جزای نقدی برای فقرا کمرشکن و برای اغنیا مجازات سبکی است، اینکه جزای نقدی با توجه به اینکه بر اموال محکوم اعمال می‌شود افراد تحت تکفل وی را نیز به شدت در معرض آثار مجازات قرار می‌دهد و با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات دارد و اینکه جزای نقدی قدرت ترذیلی و ترهیبی اندکی دارد. در قانون جدید مجازات کیفر حبس در تمامی درجات هشت‌گانه مجازات‌های تعزیری حضور دارد و هنوز هم اصلی‌ترین ابزار سرکوبگرانه قانونگذار در مقابله با همه جرایم تعزیری و از جمله جرایم اقتصادی محسوب می‌شود. نگاهی به مقررات مختلفی که در باب جرایم اقتصادی به تعیین کیفر مبادرت نموده است مشخص می‌سازد کیفر حبس به شکلی فراگیر مورد تقنین قرار گرفته است که نشانگر رویکرد سزاگرایانه قانونگذار در مواجهه با جرایم اقتصادی است. در قوانین و مقررات ایران جزای نقدی، شلاق و سایر مجازات‌های تعزیری اغلب به عنوان مکمل مجازات حبس مطرح هستند. این موضوع به ویژه در مورد جرایم اقتصادی نمود

^۱ ژان لوک بچر و نیکلا کلوز، پیشین، ص ۱۴۴.

^۲ ژان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم، علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳

^۳ نوروزی فیروز، رحمت الله، حقوق جزای عمومی مجازات، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۲۵۳.

آشکارتری دارد این در حالیست که کیفرشناسان تأکید دارند در مورد مجرمین اقتصادی حبس در صورتی مجازاتی بهینه است که مجازات نقدی قدرت بازدارندگی نداشته باشد. لذا به نظر می‌رسد درباره مجرمین اقتصادی جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی و حبس و شلاق به عنوان مجازات تکمیلی باید مدنظر قرار داشته باشد.

۳. مصادره اموال

مصادره اموال عبارت است از استیلاي دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه است.^۱ در حقوق جزای ایران در مواردی، مصادره اموال به عنوان یک مجازات سنگین برای مجرمین اقتصادی پیش بینی شده است. جایگاهی را که می‌توان مصادره اموال طرح ریزی نمود در جرایم مالی است. یعنی قانون گذار این ضمانت اجرا را خاص جرایمی می‌دانسته که با هدف و انگیزه مالی صورت گرفته است خواه این هدف و انگیزه مستقیم باشد یا غیر مستقیم. در برخی از جرایم مالی اصطلاح مصادره بیان می‌گردد و به عبارتی موضوع نص صریح قانون است مانند ماده ۷۱۲ قانون تعزیرات که بیان نموده «هر کس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار دهد.... کلیه اموالی که از طریق کلاشی و تکدی بدست آورده است مصادره خواهد شد». همچنین ماده واحده قانون شمول اجراء قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ که مصادره ثروت هایی که برخلاف ضوابط دولت رد اثر احتکار و گرانفروشی و قاچاق کسب گردیده است را مقرر داشته است. همچنین در ماده واحده و تبصره قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع کنندگان اسکناس مجعول ۱۳۶۸، اخذ معادل اموالی که حاصل از ارتکاب جعل اسکناس و جرایم مربوط به ورود و توزیع اسکناس مجعول می‌باشد، پیش بینی شده است. بهترین نمود، جهت اجرای مجازات ضبط و مصادره اموال در جرایم پولشویی یا همان تطهیر پول است «مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک، به طوری که یافتن منبع اصلی آن غیر ممکن یا بسیار دشوار گردد» قانونگذار

^۱ اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱

^۲ میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل ص ۳۳۲

تلاش کرده است تا با کیفر «مصادره کل اموال» جنبه ارباب آمیزی مجازات را افزایش دهد و انگیزه اصلی مجرمین مالی و اقتصادی را که کسب عواید مالی است از میان ببرد. با لحاظ اینکه غالب مجرمین و به ویژه مجرمین اقتصادی همواره سود و زیان حاصل از ارتکاب جرم را می‌سنجند، در بادی امر به نظر می‌رسد مصادره کل اموال برای بازدارندگی می‌تواند مفید باشد. اما اگر به واقعیت‌های عینی در جامعه و راه‌های گریز از اعمال این مجازات نگاه کنیم، چندان هم ارباب آمیز به نظر نمی‌رسد. مجرمین اقتصادی غالباً دارای هوش و درایت زیادی هستند و شبکه‌های اجتماعی گسترده‌ای دارند لذا می‌توانند به راحتی عواید حاصل از جرم را به صورت صوری به افراد دیگر انتقال داده یا آن را به نحوی پنهان نمایند و عملاً دارایی خود را ناچیز جلوه دهند. در این صورت مصادره کل اموال تنها روی کاغذ یک مجازات ارباب انگیز است و در عمل نمی‌تواند بازدارنده باشد. گاهی اوقات نیز مجازات مصادره کل اموال، عملاً همان استرداد عواید حاصل از جرم خواهد بود. چه بسا مجرم اقتصادی تمام دارایی خود را از طرق مجرمانه کسب کرده باشد در این صورت اگر دادگاه حکم به استرداد عواید حاصل از جرم یا مصادره کل اموال بدهد نتیجه مشابهی در بر خواهد داشت. این درحالیست که استرداد اموال تکلیف قانونی مجرم است و حتی در زمره مجازات‌ها تلقی نمی‌شود و مصادره تمام اموال در ردیف شدیدترین نوع مجازات‌ها.

بخش چهارم: تکمیل مجازات در جرایم اقتصادی

منظور از تکمیل مجازات، ضمانت اجراهایی است که بر مجازات‌های اصلی اضافه می‌شود یا در کنار آنها اعمال می‌گردد. این ضمانت اجرا متنوعند. در قانون جدید مجازات اسلامی و در ماده ۲۳ آن مجازات‌های تبعی و تکمیلی احصا شده است.

بند اول: توقیف مال موضوع جرم

در قانون مجازات اسلامی رد مال یا استرداد عواید حاصل از ارتکاب جرم به طور مشخص در ردیف مجازات‌های تبعی یا تکمیلی نیامده است. واقعیت اینست که رد مال یا عواید حاصل از جرم، مجازات نیست و نوعی تکلیف قانونی است. اما قانونگذار در بند «ر» ماده ۲۳ توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم را به عنوان یکی از مجازات‌های تکمیلی آورده است. در مقررات مختلف ناظر بر جرایم اقتصادی حکم به رد مال یا منافع حاصل از جرم به قاضی تکلیف شده است. از جمله در جرایم کلاهبرداری موضوع ماده ۱ و اختلاس موضوع ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، رد مال به صراحت مقرر شده است. در جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵ نیز همین تکلیف برای محاکم مقرر شده است. در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ مقرر شده است که مرتکبان جرم مکلف به استرداد اصل عواید مجرمانه و منافع حاصله هستند و اگر عین آنها موجود نباشد باید از عهده مثل یا قیمت برآیند. به موجب ماده ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ «دادگاه پس از احراز نامشروع بودن اموال و دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی در صورتی که مقدار آن معلوم باشد چنانچه صاحب آن مشخص است باید به صاحبش رد شود ولی اگر صاحب آن مشخص نیست در اختیار ولی امر قرار داده می شود و اگر مقدار آن معلوم نباشد چنانچه صاحب آن مشخص است باید با صاحب مال مصالحه نماید و اگر صاحب آن مشخص نیست باید خمس مال را در اختیار ولی امر قرار دهد.» هر چند موارد اینچنینی را نمی توان مجازات در نظر گرفت و در واقع مال نامشروع باید به صاحب آن یا دولت برگردد اما ضبط مال موضوع جرم را باید نوعی مجازات تلقی کرد زیرا وسایل و برخی اموال موضوع جرم لزوماً به طریق نامشروع بدست نیامده است بلکه در طریق نامشروع به کار گرفته شده است. قانونگذار جدید صراحتاً در تبصره ۲ ماده ۱۹ حکم ضبط را از حکم مصادره مجزا کرده است و در ردیف هیچ نوع مجازات تعزیری اصلی قرار نداده است. اما آیا می توان توقیف وسایل ارتکاب جرم را با ضبط مال موضوع جرم یکی دانست؟

مثلاً در خصوص رشوه، تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، ضبط مال مورد ارتشاء را به عنوان تعزیر و مجازات راسی مقرر داشته است.

این مال همان وسایل ارتکاب جرم است؟ به نظر می رسد چنین باشد، زیرا وسیله ارتکاب جرم قرار گرفته است. ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاحی ۱۳۷۳ مقرر می دارد: «هرکس در مورد مالی که موضوع درآمد دولت بوده مرتکب قاچاق شود، علاوه بر رد مال و در صورت نبودن عین مال رد بهای آن، حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به پرداخت جزای نقدی تا حداکثر پنج برابر معادل قیمت ریال مال مورد قاچاق و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود و در مورد اموال ممنوع الورود و کالاهای انحصاری علاوه بر مجازات فوق به حبس تعزیری تا دو سال محکوم خواهد شد...» مجازات مرتکب قاچاق کالا در این ماده پرداخت جزای نقدی، شلاق و حسب مورد حبس تعزیری در نظر گرفته شده است. در تبصره ۲ ماده مزبور تقطیر الکل در خارج از مراکزی که جهت تولید الکل مجازند، ممنوع اعلام شد و عین مال و آلات و ادوات مربوط به تقطیر الکل ضبط می شوند که مجازات مزبور بعلاوه مجازات های ماده یک بوده و بعنوان مجازات اصلی و از لحاظ نوع هم جزء مجازات های تعزیری می باشد. در مواد ۲ و ۳ و ۵ نیز ضبط عین مال (مورد قاچاق) به عنوان یکی از مجازات های اصلی پیش بینی شده است که در کنار جزای نقدی آمده و همچنین در صورتی که عین مال از بین رفته باشد، مرتکب جرم باید بهای مال از بین رفته را بپردازد که به نفع دولت ضبط می شود. اما از آنجا که این موارد به جهت تصریح آن را در قانون نمی توان مجازات تکمیلی دانست لذا باید در زمره مجازات های تبعی قلمداد گردد.

بند دوم: انفصال از خدمات دولتی و عمومی

. با توجه به اینکه فساد اداری از سوی کارمندان دولت و مؤسسات عمومی ارتکاب می یابند لذا انفصال از خدمات دولتی و عمومی به طور موقت یا دائم یکی دیگر از مجازات های تکمیلی معمول برای مرتکبین اینگونه جرایم است. بدین ترتیب ضمن اینکه مجرم را از شغل خود محروم می نماید که خود مجازات سنگینی است در عین حال وی را برای مدت مشخص یا برای همیشه از سازمان متبوع دور می کند و لذا امکان تکرار جرم اقتصادی مزبور را از وی سلب می نماید. در مقررات جزائی ایران انفصال موقت یا دائم از خدمات دولتی و

عمومی یکی از مجازات‌های پرکاربرد برای مجرمینی است که در دستگاه‌های دولتی و عمومی شاغل هستند. انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید در زمره مجازات‌های تعزیری درجه ۴ و در کنار حبس بین ۵ تا ۱۰ سال و جزای نقدی بین ۱۸ تا ۳۶ میلیون تومان قرار گرفته است. ولی انفصال موقت تنها به عنوان مجازات تکمیلی قابل تصور است که در بند ۲۳ آمده است. البته در بند مذکور قانونگذار انفصال از خدمات دولتی و عمومی را به صورت مطلق به کار برده است ولی از آنجا که مدت مجازات‌های تکمیلی بیش از دو سال نیست (تبصره ۱ ماده ۲۳) لذا باید گفت انفصال دائم نمی تواند به عنوان مجازات تکمیلی استفاده شود. در جرایم و مفاصد اقتصادی و اداری ذیل، مجازات انفصال دائم به عنوان مجازاتی تعزیری پیش بینی شده است:

وفق ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مرتکبان کلاهبرداری، چنانچه از مقامات عمومی یا مأمورین به خدمات عمومی باشند به انفصال ابد از خدمات دولتی محروم می شوند.

در تبصره ۲ ماده ۱ در خصوص شروع به کلاهبرداری مقرر شده: «مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور در صورتی که در مرتبه مدیر یا بالاتر یا همتراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی ... محکوم می شوند.» در ماده ۵ نیز مقرر شده است اگر مبلغ مورد اختلاس زائد بر پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به صورت دائمی از خدمات دولتی منفصل می شود. برای موارد تشکیل یا رهبری شبکه ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، برای مرتکبین به صورت مطلق مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی منظور شده است. در مواردی نیز انفصال موقت پیش بینی شده است. مثلاً در تبصره ۲ ماده ۱ مستخدمان دولتی در صورتی که در مراتب پایین تر از مدیر باشند، به شش ماه تا سه سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می شوند.»

دلیل این تفاوت ها مشخص نیست که چرا مثلاً کلاهبرداری جزئی یک کارمند دون پایه بدون ارتباط با وظایف شغلی، مستلزم انفصال دائم و ارتشاء کلان او به منظور انجام امری برخلاف وظایف شغلی مستلزم انفصال موقت است؟

در ماده واحده قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸ نیز انفصال ابد از خدمات دولتی به عنوان مجازات تعزیری اصلی پیش بینی شده است.

با وجود اینکه در موارد پیش گفته انفصال از خدمات دولتی به عنوان نوعی مجازات بازدارنده پیش بینی شده است اما در موارد دیگری از جرائم اقتصادی تعیین مجازات انفصال به کلی نادیده گرفته شده است که قابل ایراد به نظر می رسد. در قانون جدید مجازات اسلامی این نقیصه با پیش بینی «انفصال از خدمات دولتی و عمومی»، به عنوان نوعی مجازات تکمیلی در بند «ت» ماده ۲۳ این نقیصه را جبران نموده است. لذا در هر جرمی که مرتکب با سوء استفاده از مقام دولتی خود یا حتی بدون سوء استفاده از آن مرتکب جرم شود دادگاه می تواند این مجازات تکمیلی را نیز در کنار سایر مجازات ها به صورت انفصال دائم یا موقت استفاده نماید.

بند سوم: محرومیت های شغلی و اقتصادی

قانون گذار در ماده ۲۳ قانون جدید مجازات اسلامی محرومیت هایی را به عنوان مجازات های تکمیلی یا تبعی احصا کرده است که منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین در زمره آنهاست. در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ محرومیت های شغلی و اقتصادی را برای مجرمین اقتصادی که مرتکب جرم فساد موضوع قانون مذکور شده اند در نظر گرفته و احصاء کرده است که به جهت الزامی بودن آنها باید گفت از سنخ مجازات های تبعی هستند برخی از این محرومیت ها در قوانین جزائی پراکنده پیش بینی شده بود اما قانونگذار برای نخستین بار به صورت منسجمی این محرومیت ها و اشخاصی که مشمول این محرومیت ها می شوند را فهرست کرده است. برخی از این محرومیت ها را می توان اقدامات اداری- انتظامی نیز قلمداد نمود که البته تنها در مورد مجرمینی قابل اعمال

^۱ مثلاً در جرم رشاً (در مواردی که مرتکب خود نیز مقام عمومی یا از مأموران خدمات عمومی باشد)، تحصیل مال از طریق نامشروع، ماده ۲ قانون مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، اخذ پورسانت در معاملات خارجی (ماده واحده مصوب ۱۳۷۲) و جرائم تصرف غیر قانونی، تدلیس و سوء استفاده در معاملات عمومی (ماده ۵۹۸، ۶۰۰ و ۶۰۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵) مجازات انفصال پیش بینی نشده است.

است که به دستگاه‌های دولتی و عمومی وابسته هستند و تحت شمول قانون مزبور قرار می‌گیرند.^۱ ماده ۵ قانون مزبور مقرر می‌دارد:

« محرومیت‌های موضوع این قانون و اشخاص مشمول محرومیت، اعم از حقیقی و یا حقوقی به قرار زیر است:

الف - محرومیت‌ها:

۱- شرکت در مناقصه‌ها و مزایده‌ها یا انجام معامله یا انعقاد قرارداد با دستگاه‌های موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون با نصاب معاملات بزرگ مذکور در قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۵.

۲- دریافت تسهیلات مالی و اعتباری از دستگاه‌های موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون

۳- تأسیس شرکت تجاری، مؤسسه غیرتجاری و عضویت در هیأت مدیره و مدیریت و بازرسی هر نوع شرکت یا مؤسسه

۴- دریافت و یا استفاده از کارت بازرگانی

۵- اخذ موافقتنامه اصولی و یا مجوز واردات و صادرات

۶- عضویت در ارکان مدیریتی و نظارتی در تشکلهای حرفه‌ای، صنفی و شوراهای

۷- عضویت در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انتظامی و انتصاب به مشاغل مدیریتی»

^۱ ماده قانون ارتقا سلامت اداری و ... ۲- اشخاص مشمول این قانون عبارتند از:

الف - افراد مذکور در مواد (۱) تا (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸

ب - واحدهای زیر نظر مقام رهبری اعم از نظامی و غیرنظامی و تولیت آستانهای مقدس با موافقت ایشان

ج - شوراهای اسلامی شهر و روستا و مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده دار مأموریت عمومی

د - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی موضوع این قانون

و در ادامه در بند ب این ماده اشخاصی را که مشمول این محرومیت‌ها می‌شوند در بندهای زیر مشخص کرده است:

«ب- اشخاص مشمول محرومیت و میزان محرومیت آنان:

۱- اشخاصی که به قصد فرار از پرداخت حقوق عمومی و یا دولتی مرتکب اعمال زیر می‌گردند متناسب با نوع تخلف عمدی به دو تا پنج سال محرومیت به شرح زیر محکوم می‌شوند:

۱-۱- ارائه متقلبانه اسناد، صورت‌های مالی، اظهارنامه‌های مالی و مالیاتی به مراجع رسمی ذی ربط، به یکی از محرومیت‌های مندرج در جزءهای (۱)، (۲) و (۳) بند (الف) این ماده و یا هر سه آنها

۱-۲- ثبت نکردن معاملاتی که ثبت آنها در دفاتر قانونی بنگاه اقتصادی، براساس مقررات، الزامی است یا ثبت معاملات غیرواقعی، به یکی از محرومیت‌های مندرج در جزءهای (۱)، (۲) و (۶) بند (الف) این ماده یا جمع دو و یا هر سه آنها

۱-۳- ثبت هزینه‌ها و دیون واهی، یا ثبت هزینه‌ها و دیون با شناسه‌های اشخاص غیرمرتبط یا غیرواقعی در دفاتر قانونی بنگاه، به یکی از محرومیت‌های مذکور در جزءهای (۱)، (۲) و (۵) بند (الف) این ماده و یا جمع دو و یا هر سه آنها

۱-۴- ارائه نکردن اسناد حسابداری به مراجع قانونی یا امحاء آنها قبل از زمان پیش‌بینی شده در مقررات، به یکی از محرومیت‌های مندرج در جزءهای (۳) و (۶) بند (الف) این ماده یا هر دو آنها

۵- ۱- استفاده از تسهیلات بانکی و امتیازات دولتی در غیرمحل مجاز مربوط، به یکی از محرومیت‌های مندرج در جزءهای (۱)، (۲)، (۴) و (۶) بند (الف) این ماده یا جمع دو و یا بیشتر آنها

۶-۱- استنکاف از پرداخت بدهی معوق مالیاتی یا عوارض قطعی قانونی در صورت تمکن مالی و نداشتن عذر موجه، به یکی از محرومیت‌های مندرج در جزء‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) بند (الف) این ماده یا جمع دو یا بیشتر آنها

تبصره ۱- اگر مرتکب، از کارکنان دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری باشد، به محرومیت مندرج در جزء (۷) بند (الف) نیز محکوم می‌شود.

تبصره ۲- حد نصاب مالی موارد مذکور برای اعمال محرومیت به تنهایی یا مجموعاً، معادل ده برابر نصاب معاملات بزرگ یا بیشتر موضوع قانون برگزاری مناقصات در هر سال مالی است.

۲- محکومان به مجازات‌های قطعی زیر، در جرائم مالی عمدی تصریح شده در این قانون، به مدت سه سال از تاریخ قطعیت رأی، مشمول کلیه محرومیت‌های مندرج در بند (الف) این ماده می‌شوند، مشروط بر اینکه در حکم قطعی دادگاه به محرومیت‌های موضوع این قانون محکوم نشده باشند:

۲-۱- دو سال حبس و بیشتر

۲-۲- جزای نقدی به میزان ده برابر نصاب معاملات بزرگ و یا بیشتر، موضوع قانون برگزاری مناقصات

۲-۳- محکومان به مجازات قطعی دو بار یا بیشتر که مجموع مجازات آنان از جزء‌های (۱-۲) و یا (۲-۲) بیشتر باشد.

این ماده قانونی و شقوق الف و ب آن حاوی این نکته است که قانونگذار علاوه بر محرومیت‌های اجتماعی که در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی برای محکومین مقرر نموده است مجرمین اقتصادی را از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی دولت و عضویت در تشکلات و هیئت‌های دولتی محروم نموده است. این محرومیت‌ها نیز که ماهیتاً نوعی مجازات محسوب می‌گردند را باید به لیست مجازات‌های مجرمین اقتصادی افزود نکته قابل توجه

اینست که برخلاف محرومیت های اجتماعی که تنها برای اشخاص حقیقی قابل تصور است محرومیت های مندرج در قانون ارتقا سلامت اداری هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی را در بر می گیرد. لذا مجازات های مذکور در ماده ۳ مرقوم از قانون ارتقا سلامت نظام اداری را باید به فهرست مجازات های مقرر برای اشخاص حقوقی اضافه کرد که البته اهمیت این مجازات ها برای اشخاص حقوقی چه بسا بیشتر از اشخاص حقیقی باشد چه اینکه اشخاص حقوقی غالباً با فعالیت های اقتصادی درگیر هستند و لذا در جریان رقابت های اقتصادی امکان ارتکاب بزه های اقتصادی از سوی آنها جهت حضور انحصاری در بازار و کسب سود می رود.

بند چهارم: تشهیر مجرمین اقتصادی کلان

تشهیر مجرمین با هدف رسوا کردن آنان در میان اجتماع و تحقیر آنان موافقان و مخالفانی در میان جرم شناسان دارد و هستند بسیاری از کسانی که آن را نه تنها بازدارنده نمی دانند بلکه عامل تکرار جرم از طریق برجسب زنی و انگشت نما کردن محکوم در اجتماع می دانند. در قانون جدید مجازات اسلامی و در بند س ماده ۲۳ انتشار حکم محکومیت قطعی مجرمین را به عنوان یک مجازات تکمیلی یا تبعی به رسمیت شناخته است. این مجازات در واقع همان تشهیر مجرمین است که با توجه به اینکه در خصوص مجرمین اقتصادی کلان الزام و تکلیف قانونی به اعمال آن وجود دارد باید آن را در ردیف مجازات های تبعی قلمداد کرد و نه تکمیلی. تشهیر مصادیق مختلفی دارد و در رویه قضائی ایران از گرداندن در میان مردم به شکل تحقیر آمیز در مورد مجرمین خشن که امنیت فضای عمومی جامعه را به خطر می اندازند تا تشهیر مجرمین اقتصادی کلان که به قصد تنویر افکار عمومی و رسوایی محکومین و بازگرداندن اعتماد عمومی به دولت و فعالیت های دولت انجام می شود. البته تشهیر به عنوان یک مجازات سابقه فقهی دارد و در مورد مجرمین اقتصادی نیز قائل به جواز شرعی آن شده

اند که مفصلاً در زیر مورد بررسی قرار گرفته و سپس در خصوص وضعیت تشهیر در قانون جدید مجازات بحث می گردد.

الف- مبنای فقهی مجازات تشهیر مجرمین اقتصادی

تشهیر، اقدام واکنشی آزار دهنده‌ای است که مطابق مقررات جدید باید آن را نوعی مجازات تعزیری تکمیلی به شمار آورد که در خصوص مرتکبین جرایم اقتصادی کلان باید اعمال گردد. تشهیر سابقه در فقه اسلامی دارد. واژه "تشهیر" عنوانی است که در فقه اسلامی در مورد اعلام و اعلان مجرمان و مفسدان به کار می‌رود. یعنی مشهور کردن و اعلام عمومی مجرم به مردم و جامعه تا او را بشناسند و عبرتی برای دیگران قرار گیرد. تشهیر از لوازم شفاف سازی شمرده می‌شود که نصی در خصوص آن وارد نشده اما مجازاتی است که اجماعی و لااقل مورد شهرت فتوایی می باشد که فقها در تشهیر شاهد باطل به تبیین آن پرداخته اند. ابن فهد در تبیین مفهوم تشهیر آن را همراه با تحقیر و توهین دانسته بنابراین تشهیر این اثر را دارد که اولاً مجازات دردناکی برای مجرم است ثانیاً باعث دوری مردم از نیرنگ چنین شخصی می‌شود و سوم اینکه چنین مجازاتی نقش تربیتی نسبت به نسل‌های بعدی دارد تا با داشتن خاطراتی از چنین مجازات‌های موهنی از این گونه جرائم در همه عمر تبری بجویند. صاحب کتاب "النفی و التغریب" در تطبیق مجازات تشهیر در قدیم و عصر حاضر به این مطلب اشاره می کند که این مجازات می‌تواند در عصر حاضر از طریق اعلام از طریق جراند و اخبار رادیو و تلویزیون اعمال گردد و چه بسا در روزگار حاضر این مجازات را نتوان از راه هایی که در روزگار قدیم متداول بوده مثل گرداندن در شهر و امثال آن متناسب با اهداف آن اقامه نمود^۱.

^۱ و می گوید: "والشهرة: بأن يدار به في محافل الناس و مجتمعاتهم كالا سواق خزبا ونكالا، وليحذر الناس من مخالطته، كيلا يفسد نسايتهم وصيانتهم". ابن فهد الحلبي، المذهب البارع، ج ۵، ص ۶۴، منبع اينترنتي، (تاريخ بازديد ۱۳۹۳/۵/۱۱)

قابل دسترسی در سایت کتابخانه مدرسه فقاها: <http://lib.eshia.ir/10053/5/64>

^۲ الشيخ نجم الدين طوسي، النفي و التغریب، ج ۱ ص ۳۵۲. قابل دسترسی در کتابخانه اينترنتي مدرسه فقاها، به نشانی:

<http://lib.eshia.ir/15290/1/353>

مرحوم شیخ مفید می گوید: کسی را که شهادت دروغ داده است باید مجازات کرد و حاکم می تواند او را در شهر شهره سازد تا مردم او را به این صفت بشناسند و در آینده از وی در امان باشند و دوباره فریب او را نخورند. همانطور که ملاحظه می شود در این عبارت مرحوم مفید برای این مجازات نقش پیشگیرانه و تامینی قائل است.^۱

چنانکه در مورد شخص مفلس که توان اجرای تعهدات مالی خود را ندارد همین اقدام تامینی را برای حاکم الزامی می داند ایشان اعلام اسامی افراد مفلس و ورشکسته را که از نظر فقهی مهجور هستند و نمیتوانند در اموال خود تصرف کنند لازم می داند تا کسی مدعی فریب خوردن از ناحیه او نباشد و حجت بر همگان تمام شود که با وی معامله نکنند. در این جا همانطور که ملاحظه می شود مجازات تشهیر برای جلوگیری از فریب مردم از شخص است. از این رو باید پذیرفت اعلام اسامی مفسدان اقتصادی به دلیل نقش پیشگیرانه ای که از وقوع جرم دارد مورد تایید فقه خواهد بود.

البته این مجازات تأمینی اختصاص به شهادت زور ندارد و دیگر جرائم را نیز می تواند شامل شود و به این دلیل برخی فقها با استناد به روایتی جنبه تامینی مجازات تشهیر را از شهادت باطل به جرائم دیگر نیز تسری داده اند چون علت در همه یکسان است. تشهیر و شناسایی مجرم برای مردم تا آنجا از تاکید برخوردار است که حتی در فقه تاکید بر این بوده که شخص مجرم باید ایستاده مجازات شود و شلاق بخورد تا مردم او را ببینند و بشناسند.^۲ مجازات شلاق را به این دلیل می گوید باید ایستاده صورت پذیرد که در این حال بهتر دیده می شود و خوب شناسانده می شود.

ب- تشهیر اجباری مجرمین کلان اقتصادی در قانون جدید

^۱ شیخ مفید، المقنعه، ص ۷۹۵ قابل دسترسی در کتابخانه اینترنتی مدرسه فقاقت، به نشانی: <http://lib.eshia.ir/15114/1/795>

^۲ ابو الصلاح حلبی، کافی ص ۳۴۱، قابل دسترسی در کتابخانه اینترنتی مدرسه فقاقت

^۳ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲ ص ۴۱۴، قابل دسترسی در کتابخانه اینترنتی مدرسه فقاقت.

^۴ همان ص ۴۱۸

در خصوص تشهیر مجرمین اقتصادی پیشتر قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵ موضوع انتشار حکم محکومیت قطعی محکومین جرایم اقتصادی را پیش بینی نموده و مقرر داشته بود: «در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محكوم علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آن که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.»

بخش پنجم: تعیین و اجرای مجازات مجرمین اقتصادی و دانه درشت ها در قانون جدید

به طور کلی فاصله طولانی میان وقوع بزه و واکنش کیفری از قبح عمل و قدرت بازدارندگی مجازات می‌کاهد. از نظر بکار یا آنچه مانع از ارتکاب جرم است حتمیت در اجرای کیفر است و نه شدت مجازات. او اثر بازدارندگی قوانین خفیف از نظر مجازات اما حتمی از نظر اجرا را بیشتر از قوانینی می‌داند که با وجود پیش بینی مجازات‌های شدید، امکان استفاده قاضی از عفو، تخفیف و تعلیق فراهم است و یا اساساً به دلیل شدید بودن مجازات‌ها تمایل به استفاده از ابزار تخفیف و یا عدم اجرا بسیار است.^۱ با توجه به اینکه قانون‌گذار اخیراً قصد مبارزه جدی‌تر با مفاسد اداری و اقتصادی را از طریق وضع قوانین و مقررات جرائی کارآمد و شدید نموده است در قانون جدید مجازات اسلامی مقررات خاصی را وضع کرده است که در مقام اجرای مجازات، برخی مجرمین جرایم اقتصادی را از تسهیلات معاف‌کننده یا

^۱ رک: سزار بکار یا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، ۱۳۷۴.

رافع مجازات مانند تعویق صدور حکم، تعلیق مجازات و مرور زمان محروم می کند و در عین حال تشهیر مجرمین کلان اقتصادی را نیز الزامی نموده است. این نکته در خصوص حتمیت اجرای مجازات ها و تشهیر مجرمین در جرایم اقتصادی در خور توجه است که ظاهراً قانونگذار جرایم اقتصادی را به خرد، متوسط و کلان تقسیم نموده است که ملاک آن میزان ریالی موضوع جرم است. جرایم خرد اقتصادی که در آنها میزان موضوع جرم کمتر از یکصد میلیون ریال است مشمول سخت گیری در اجرای مجازات نگردیده اند و در نحوه اجرای مجازات آنها، احکام مربوط به مجازات سایر جرایم بر آنها بار است. محکومین جرایم متوسط اقتصادی که میزان موضوع جرم در آنها بیش از یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال را در بر می گیرد تنها از تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات محرومند. و محکومین جرایم اقتصادی با میزان موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال از شمول مرور زمان کیفری جرایم موجب تعزیر در تعقیب، صدور و اجرای حکم نیز مستثنی شده اند و در عین حال محکومین به جرایم اقتصادی کلان باید تشهیر شوند.

بند اول: سقوط مجازات در جرائم اقتصادی

۱. مرور زمان تعقیب و اجرای حکم در جرایم اقتصادی

مرور زمان در امور کیفری عبارت از گذشتن مدتی است که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی، و سرانجام اجرای مجازات امکان پذیر نیست.^۱ به طوری که در مورد مرور زمان در امور کیفری در ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ آمده است «در جرائمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مقرر، تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مقرر، به صدور حکم منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد.» به دنبال تصویب این ماده قانونی دادگاه ها در خصوص اینکه کدام یکی از مصادیق مجرمانه مشمول این حکم می گردند دچار

^۱ آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۸۶ ص ۲۰۵.

تہافت آراء شدند و حداقل ۶ رأی وحدت رویہ از سوی دیوان عالی کشور در فاصلہ سال- های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۶ صادر گردید. البتہ این مادہ اشارہ‌ای بہ جرایم اقتصادی ننمودہ بود و تنہا تعزیرات شرعی و حدود و دیات را از شمول مرور زمان تعقیب مستثنی ننمودہ بود. در قانون جدید مجازات اسلامی قانونگذار تلاش نمود تا مقرره‌ای روشن تر در این خصوص وضع نماید لذا با حذف عنوان بازدارندہ از شمار انواع مجازات ها ، کلیہ جرایم تعزیری حتی آن دستہ از جرائم تعزیری کہ منصوص شرعی می باشند ، می توانند مشمول مرور زمان واقع شوند. اما اینکہ با توجہ بہ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آیا رأی وحدت رویہ ۶۹۶'ہیات عمومی دیوانعالی کشور در خصوص جرم ارتشاء و عدم تسری مرور زمان بہ آن بہ قوت خود باقی است یا خیر؟ یک نظر مشورتی اعلام کردہ: «مادہ ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جرائمی بہ شرح بندہای سہ گانہ از شمول مرور زمان خارج گردیدہ است، با این استثناء کہ جرائم اقتصادی شامل کلاہبرداری و جرائم سیزدہ گانہ مندرج در تبصرہ ذیل مادہ ۳۶ قانون مرقوم در صورتی از شمول مرور زمان خارج است کہ میزان مال موضوع جرم ارتکابی یک میلیارد ریال تمام و بالاتر باشد، بنابراین آراء وحدت رویہ شمارہ ۶۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۴ و شمارہ ۶۹۶ مورخ ۱۳۸۵/۵/۱۴ در خصوص ارتشاء و فروش مال غیر از درجہ اعتبار ساقط

^۱ «براساس تبصرہ ۱ مادہ ۲ قانون آیین دادرسی دادگاہهای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی کہ در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیدہ...» و اصل حکم پرداخت و دریافت رشوہ را نیز شرع انور بیان فرمودہ‌اند و در مواد مربوط بہ موضوع، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و مادہ ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاہبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، بہ ممنوعیت مستخدمین دولتی، بہ طور کلی، اعم از قضایی و اداری، از دریافت رشوہ، بہ ہر عنوان، تصریح گردیدہ و در تبصرہ‌های ۲ و ۵ قانون اخیرالذکر، نوع مجازات را «تعزیری» اعلام نمودہ‌اند، لذا رشوہ از عداد مجازات‌های بازدارندہ کہ از طرف حکومت تعریف می گردد خارج و بہ حکم شرع دارای مجازات تعزیری بودہ و مشمول مقررات مادہ ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاہهای عمومی و انقلاب در امور کیفری نمی باشد و بہ نظر اکثریت اعضای ہیأت عمومی، رأی شعبہ نهم تجدید نظر استان اصفهان، در حدی کہ با این استنباط مطابقت داشتہ باشد، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می گردد.» نقل از نقل از شمارہ ۱۷۶۰۸-

است و در شرایط فعلی کاربردی ندارد.»^۱ مطابق ماده ۱۰۵ قانون جدید، مرور زمان، تعقیب جرایم موجب تعزیر را متوقف می‌نماید. با این همه در ماده ۱۰۹ قانون مزبور سه نوع از جرایم مشمول حکم مواد ۱۰۵ تا ۱۰۸ یعنی مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای حکم نگردیده‌اند. این ماده مقرر می‌دارد: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده.

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر»

همان گونه که ملاحظه می‌شود این ماده قانونی جرایم اقتصادی را شامل کلاهبرداری و ۱۳ نوع جرم فهرست شده در ماده ۳۶ قانون مجازات جدید دانسته است با این شرط که در جرایم اقتصادی میزان موضوع جرم یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد. بدین ترتیب تنها جرایم اقتصادی کلان از مشمول مرور زمان مستثنی شده‌اند این در حالی است که غالب جرایم اقتصادی که

^۱ نظریه شماره ۷/۹۲/۱۰۱۹ مورخ ۹۲/۶/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه نقل از نشانی اینترنتی <http://www.sanjeshserv.com/hamgam/content.aspx?id=LEpP+DyJO/g:>

^۲ ماده ۱۰۵: «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:

الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال

ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال

پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال

ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

تبصره ۱- اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاينه محلی و نیابت قضایی انجام می‌دهند.»

در زمان حاکمیت قانون پیشین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تحت عنوان جرایم بازدارنده جرم انگاری شده بودند با هر میزان موضوع جرم تحت شمول مرور زمان تعقیب و صدور و اجرای حکم مقرر در مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری بودند بدین ترتیب با نسخ مواد مذکور از قانون آیین دادرسی توسط قانون مجازات جدید، احکام نوین بر مرور زمان دعاوی کیفری بار شده است که یکی از مصادیق آن استثنای شمول مرور زمان بر جرایم اقتصادی کلان است. ظاهراً هدف قانونگذار از درج این بند به نوعی سخت گیری در قواعد حاکم بر مجازات مجرمین کلان اقتصادی است تا هیچگاه احساس امنیت خاطر نکنند و سایه مجازات را همواره بالای سر خود احساس نمایند. در عین حال به جهت حساسیت عمومی در مورد مجرمین کلان اقتصادی شمول مرور زمان نوعی سهل انگاری و مسامحه با چنین مجرمینی تلقی خواهد شد. حتمیت و قطعیت اجرای مجازات را از بین می برد و در نتیجه قدرت بازدارندگی مجازات های مقرر برای چنین مجرمینی را کاهش خواهد داد. همچنین تأکیدی که مقام رهبری بر لزوم مبارزه مجدانه با مجرمین اقتصادی کلان در سال های اخیر نموده اند و فرمان ۸ ماده ای ایشان در این موضوع بی تأثیر نبوده است چنانکه در دهه اخیر شاهد افزایش شمار مقررات جزائی سختگیرانه در خصوص مجرمین اقتصادی در ایران بوده ایم.

۲. امکان توبه در جرایم حدی و تأثیر آن بر فساد اداری - اقتصادی

مقرراتی از جمله ماده ۵۲۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که ناظر مواد ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰ همان قانون و مربوط به «تهیه و ترویج سکه قلب» می باشد، با شرایطی توبه مرتکبین را موجب معافیت آن از جرایم مذکور در مواد یاد شده دانسته است. بعلاوه توبه به عنوان یکی از معاذیر معاف کننده یا کاهنده مجازات در قانون جدید مجازات اسلامی نیز وارد شده است. توبه در جرایم مستوجب حد، چنانچه قبل از اثبات جرم باشد، موجب اسقاط مجازات خواهد شد. بر اساس ماده ۱۱۴: «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه

مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است»

بدون درنگ باید گفت این یک ایراد بزرگ بر اصل کلی حتمیت و قطعیت مجازات‌ها است که در همه جرایم و به خصوص در خصوص جرایم اقتصادی باید رعایت شود. در حالی که قانونگذار اشد مجازات را برای برخی مرتکبین جرایم اقتصادی کلان که قصد ضربه زدن به کشور و نظام را داشته باشند در موارد متعدد در نظر گرفته و آنها را با لحاظ شرایطی مفسد فی الارض دانسته و حکم اعدام برای آنها در نظر گرفته است. قانونگذار به راحتی و سهولت برای آنها راه فرار از مجازات را پیش گذاشته است. از آنجا که مجازات اعدام در اینجا از باب حدود است لذا حکم ماده ۱۱۴ به تمامی مواردی که برای مجرمین کلان اقتصادی مجازات محارب و مفسد الارض در نظر گرفته شده است، تسری دارد. مجرمی که به تهیه و ترویج سکه قلب به صورت سازمان یافته یا به صورت گسترده اقدام نموده است یا کسی به قصد ضربه زدن به نظام، اقدام به اخلال در نظام اقتصادی کشور نموده است می‌تواند به راحتی پیش از اثبات جرم توبه کند و با توجه به نفوذ، شبکه‌ها و رابطه‌های چنین مجرمینی و همچنین هوش و خلاقیتشان، توبه خود را برای قاضی محرز سازد و به راحتی راهش را برای معافیت از جرم بیابد. در این صورت تمام آنچه را که قانونگذار برای مقابله جدی و سختگیرانه با مجرمین اقتصادی رشته بود را با این مقرر پنبه می‌کند. برقراری امکان توبه برای مجرمین کلان اقتصادی همچنین مغایر با سیاست کلی کنوانسیون‌های سازمان ملل در خصوص فساد است که ایران به آنها پیوسته است و لذا چنین مقرره‌ای در خصوص برخی جرایم کلان اقتصادی که به افساد فی الارض تعبیر می‌شود تالی فاسد خواهد داشت در این صورت محکوم به افساد فی الارض می‌تواند توبه کند و با احراز توبه، مجازات او به جرم تعزیری حداکثر تا دو سال تبدیل می‌گردد چنین نتیجه‌ای به هیچ وجه متناسب با سیاست سخت گیرانه در خصوص جرایم اقتصادی نیست. قانونگذار توبه را در خصوص جرایم مستوجب تعزیر نیز در درجات شش به پایین از معاذیر معاف کننده

مجازات دانسته است. با توجه به اینکه غالب جرایم اقتصادی که به صورت متوسط و کلان ارتکاب می‌یابند، در ردیف جرایم تعزیری بالاتر از شش قرار می‌گیرند این راهکار چندان آسیبی به سیاست کلی سخت‌گیری در کیفر مجرمین اقتصادی وارد نمی‌آورد.

۳. عفو مجرمین اقتصادی

معاف کردن مجازات و تعقیب اشخاص متهم و مجرم به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. این دو مدل عفو عبارتند از عفو عمومی و عفو خصوصی. آنچه که در خصوص عفو مجرمین اقتصادی مصداق دارد عفو خصوصی است و هیچ‌جای دنیا مجرمین اقتصادی را مشمول عفو عمومی قرار نمی‌دهند. در اکثر کشورهای دنیا، عفو خصوصی از سوی قوای اجرایی کشور صورت می‌گیرد. البته عفو تنها مختص به معافیت کامل از مجازات نیست، بلکه امتیاز عفو مجرم می‌تواند شامل تخفیف مجازات یا تبدیل آن به مجازاتی از نوع بهتر شود. در کشور ما و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اینکه ولی فقیه عالی‌ترین مقام کشور به حساب می‌آید، مقام معظم رهبری دستور عفو خصوصی را صادر می‌کند. این موضوع بنا به تجویز بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اختیارات مقام معظم رهبری است.

در این زمینه ابتدا وزیر دادگستری پیشنهاد عفو مجرمان را به مقام معظم رهبری می‌داد، اما از دهه هفتاد به بعد قانون این وظیفه را برعهده ریاست قوه قضاییه گذاشته است. در واقع عفو خصوصی یک گذشت همراه با عطفی است که توسط حاکم اسلامی اعمال می‌شود. این نوع عفو صرفاً به مجرمان و محکومان به مجازات مربوط می‌شود، ضمن آنکه عفو خصوصی مربوط به اشخاص خاص و قید شده در عفونامه است.

همچنین عفو خصوصی موجب از بین رفتن سوء پیشینه کیفری مجرمان نخواهد شد. تنها اثر این نوع عفو عدم مجازات مجرم است. اما در خصوص عفو عمومی باید خاطر نشان ساخت که این نوع عفو از طریق مجلس قانون‌گذاری و به موجب قانون انجام می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی سابق مصوب سال ۱۳۷۰ مقرر شده بود که عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه با مقام معظم رهبری است. به این ترتیب تنها شخصی که می تواند پیشنهاد عفو مجرمان و محکومان را بدهد، رییس دستگاه قضایی کشور است.

قانون جدید مجازات اسلامی در فصل یازدهم خود تحت عنوان سقوط مجازات و در ذیل مبحث اول خود به بیان مقررات مربوط به عفو مجرمان و متهمان پرداخته است. در ماده ۹۶ قانون جدید تشریفات انجام عفو خصوصی دقیقاً مثل قانون سابق و در نتیجه با پیشنهاد رییس قوه قضاییه و دستور مقام معظم رهبری است.

لذا قانونگذار هیچ قید یا تخصیصی ندارد که عفو خصوصی مجرمین در خصوص چه جرایمی قابل اعمال است و تحت چه شرایطی محکومین مشمول عفو می گردند. قانونگذار در آیین نامه کمیسیون عفو بخشودگی مصوب ۱۳۸۷ جزئیات اجرائی عفو خصوصی مجرمین را آورده است. در بند ۵ ماده ۱۹ این آیین نامه، «مصادیق مهم جرایمی از قبیل: جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم ربایی ذکر شده است»، استفاده از واژه «از قبیل» نشانگر اینست که این جرایم حصری نیست و از سوی اشاره به جرایم اقتصادی مانند ارتشا و اختلاس نیز نشانگر اینست که مصادیق مهم سایر جرایم اقتصادی نیز ممکن است مشمول عفو قرار نگیرد. اما اشکال عمده در همین عبارت «مصادیق مهم» است که تشخیص اولیه آن با کمیسیون های استانی عفو و بخشودگی است. شاید بتوان گفت قانون جدید مجازات اسلامی، معیار مجرمین اقتصادی کلان را مشخص نموده است و آنهم مجرمین اقتصادی است که موضوع جرمشان بیش از یک میلیارد ریال است. در مانحن فیه نیز «مصادیق مهم» جرایم اقتصادی در واقع آنهایی هستند که موضوع جرمشان بیش از یکصد میلیارد ریال باشد؛ اما این یک تفسیر موسع از قوانین جزائی است واقعیت اینست که معیاری برای تشخیص اینکه مصادیق مهم این جرایم کدامند وجود ندارد و همه چیز بسته به این است که اعضای کمیسیون استانی و سپس کمیسیون عفو و بخشودگی کشور چه نظری داشته باشند؟ اگر مجرمین اقتصادی در لیست پیش نهادی کمیسیون برای عفو و بخشودگی قرار

داشته باشند در این صورت مسیر عفو برای آنان هموار است و به نظر نمی آید مقام رهبری که نهایتاً با عفو خصوصی موافقت می نماید، به جزئیات جرم و مجازات تک تک موارد پیش نهادی توجه نماید.

نتیجه گیری

قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی تلاش کرده است تا قطعیت و حتمیت اجرای مجازات را در مورد مجرمین اقتصادی متوسط و کلان به عنوان یک عامل و راهکار بازدارنده تضمین نماید، لذا در خصوص استفاده مجرمین اقتصادی از برخی راهکارهای ساقط کننده، یا کاهنده مجازات سخت گیری اعمال نموده است. مثلاً در ماده ۴۷، مجرمین متوسط و کلان اقتصادی را در هر صورت از دو تأسیس معاف کننده مجازات شامل تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات محروم کرده است. همچنین قانون گذار در خصوص مجرمین اقتصادی کلان یک مجازات تعزیری تبعی را به میزان مجازاتهای آنان افزوده است. این مجرمین باید از طریق انتشار حکم محکومیتشان در جراید و رسانه های ملی و محلی، تشهیر شوند. همچنین برابر بند ت ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جدید، امتیاز شمول مرور زمان تعقیب و اجرای کیفر شامل مجرمین کلان اقتصادی نمی شود. بدین ترتیب سیاست کیفری قانونگذار در مقابله با جرایم اقتصادی به صورت سختگیرانه بروز و ظهور می یابد. اما باید توجه داشت این سیاست سخت گیرانه در خصوص حتمیت و قطعیت اجرای مجازات مجرمین اقتصادی به طور منسجم و پیوسته دنبال نشده است. هنوز راهکارهای معاف کننده با کاهنده برای آن وجود دارد، تأسیسات جدید ساقط کننده یا کاهنده مجازات مانند، آزادی مشروط، عفو و پذیرش توبه، همچنان راه های گریز از تمام یا بخشی از مجازات را باز گذارده است. در خصوص آزادی مشروط هیچ قیدی جرایم اقتصادی را از شمول آن استثناء نکرده است. همچنین مجرمین جرایم اقتصادی که به جهت کلان بودن و با حصول سایر شرایط به افساد فی الارض تعبیر می یابند و بدین ترتیب مجازات حدی قتل برای آنها در نظر گرفته شده است، می توانند با استفاده از راهکار توبه که قانونگذار در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است، توبه کرده و عفو خود را از رهبری بخواهند، همچنین در مورد مجرمین اقتصادی متوسط و کلان که به تعزیر محکوم شده اند نیز توبه می تواند به عنوان یک راهکار تخفیف دهنده مجازات استفاده شود. برخی مجرمین خرد اقتصادی که به مجازات های درجه هفت و هشت محکوم شده اند، می توانند با استفاده از راهکار توبه، از مجازات رهایی یابند.

منابع و مآخذ

الف) کتاب ها

آشوری، م، آیین دادرسی کیفری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۸۶

آقازاده، ع؛ بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، چاپ اول، انتشارات آریان، تهران ۱۳۸۴

بکاریا، س. رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۴.

پرادل، ژ. تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم، علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱

پیمانی، ض ؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۰.

توسلی زاده، ت، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.

جعفری لنگرودی، م؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۸۲.

دادخدایی، ل. فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن: با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.

رایجیان اصلی، م، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، ۸۷۱۳

ربیعی، ع. زنده باد فساد، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۸۳.

زراعت، ع، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران، ققنوس، ۱۳۹۳،

صلاحی، ج، کیفرشناسی و دیدگاه های جدید، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۶.

عباس زادگان، س، فساد اداری، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۳.

عشماوی، س. مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه حسین نصراللهی و سید عیسی حسینی، تهران: انتشارات ناجا، ۱۳۸۶.

ب) مجلات

جرمی پ، "پارلمان و قانونگذاری علیه فساد"، ترجمه مسعود فریادی، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۵.

حبیب زاده، م؛ آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۳ ص ۱۴۵

حبیب زاده، م؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین و کیومرث کلانتری، "تورم کیفری، عوامل و پیامدها"، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰

حسینی، س؛ "نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین"، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۶، ۱۳۸۳

دادخدایی، ل، "مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن"، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹.

روستایی، م، "ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی"، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۸.

شمس ناتری، م و توسلی زاده ت، "پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی"، فصلنامه حقوقی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰

مرکز آموزش علمی کاربردی
سازمان همکاری و حمایت معنوی
تهران



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی- کاربردی سازمان همکاری شهریاری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

ارکان کلیدی همایش

محور های همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی، علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی، علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

دبیر اجرایی همایش:

دکتر امین امیریان فارسانی

رئیس هیات داوران:

دکتر سعید سامانی مجد

رئیس شورای سیاست گذاری:

دکتر سعید خردمندی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

T
PBIN.com
Sponsored And Indexed

همایش های ایران
Symposia

CONF
PAPER

کنفرانس
CONFERENCE

مجله علمی
JOURNAL



جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار

کافیست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

www.olomensani.IR

دبیر خانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم
واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، موسسه قانون یار، مرکز علمی کاربردی سازمان همکاری شهریاری اصفهان، بهمن ۱۳۹۸